

یلدا

محمود طیب زاده

می کند و قدما آن را سخت شوم و نامبارک می دانستند. در بیش تر نقاط ایران در این شب مراسمی انجام می شود و شعرا از حیث سیاهی آن را به شب هجران و زلف یار تشبیه کرده اند، هم چنان که از شعر بعضی از شعرا مانند خاقانی، سنایی و دیگر شعرا، نوعی رابطه بین عید مسیح و یلدا درک می شود.

یلدا برابر است با شب اول جدی و شب هفتم دی ماه جلالی و شب بیست و یکم دسامبر اروپایی، آئین و جشن یلدا با شب اول دی ماه یعنی شب چله ی بزرگ در کلیه ی سرزمین های کهن سال ایران و در بین همه ی خانواده ها برگزار می شود و دلایل پایدارماندن این جشن را می توان بدین گونه برشمرد:

الف - شب زایش خورشید (مهر) است، از باورهای دینی کهن - زرتشت؛

ب - بلندترین شب سال، یعنی طولانی ترین تاریکی ست، نشانه ی اهریمنی شبی شوم و ناخوشایند است که بعد از چندین شب به کوتاهی می گراید تا آخرین روز خرداد سال بعد؛

ج - پایان برداشت محصول صیفی و شروع فصل استراحت در جامعه ی کشاورزی ست، همه ی قشرها و گروه هایی که از فرآورده های کشاورزی و تلاش کشاورزان بهره می گیرند، در جشن نخستین روز دی ماه و برداشت محصول، در شادی کشاورزان شرکت می کنند و این روز را خیلی باشگون می دانند؛

د - در این روز بزرگان و پادشاهان با دهقانان و کشاورزان هم نشین شده و بر سر یک سفره با آن ها غذا می خورند و می گویند که قوام دنیا مربوط به کارهایی ست که با دست شما انجام می پذیرد. یلدا را یکی از جشن ها و گردهمایی خانوادگی باید دانست که در این شب خویشاوندان نزدیک در خانه ی بزرگ خانواده گردهم می آیند و در سرمای آغازین زمستان، دور کرسی نشسته و تا نیمه ی شب میوه و آجیل می خورند.

جشن خانوادگی: برگزاری مراسم شب یلدا، اگر آن را جشن بنامیم، آیین خانوادگی ست، و گردهمایی خویشاوندان و دوستان نزدیک، البته در کتاب های تاریخی به برگزاری جشن در این شب سندی دیده نشده، لیکن ابوریحان بیرونی از جشن روز اول دی ماه که آن را خرم روز می نامند در دستگاه حکومتی و پادشاهی یاد نموده و نامی از شب یلدا نبرده، و این را می توان به دلیل خانوادگی و همگانی و غیر رسمی بودن آن دانست.

آیین و جشن شب یلدا با شب چله ی بزرگ تا به امروز در تمامی

□ در ایران کهن از زمان های پیش هر یک از سی روز ماه نامی ویژه (به نام فرشتگان) دارد که نام دوازده ماه سال هم در میان آن هاست. در هر ماه، روزی که نام آن روز با نام ماه یکی باشد، آن روز را جشن می گیرند و در این سی روز ماه، سه روز آن دی نام دارد. در گذشته، هر سه روز (روزهای هشتم، پانزدهم، و بیست و سوم) را جشن می گرفته اند، اما در حال حاضر از این چهار جشن تنها شب نخستین روز دی ماه (شب یلدا: درازترین شب سال) را جشن می گیرند.

واژه ی یلدا سریانی و به معنای ولادت است، یعنی ولادت خورشید (مهر / میترا) که رومیان آن را ناتالیس آنایکتوس (یعنی روز تولد «مهر» شکست ناپذیر) می نامند.

بنابر روایت پیشینیان، در پایان این شب دراز که آن را نامبارک و اهریمنی می دانستند و می دانند، تاریکی شکست خورده و روشنایی خورشید (تولد) پیروز می شود و روزها رو به بلندی خواهد رفت. نام این روز میلاد اکبر و مقصود از آن انقلاب شتوی ست، زیرا در این روز نور از حد کاستی به حد زیادت خارج می شود و آدمیان نشو و نما آغاز می کنند و پری ها به ذبول و فنا روی می آورند. (آثارالباقیه تألیف ابوریحان بیرونی)

زایش خورشید و آغاز دی را، آئین ها و فرهنگ های بسیاری از سرزمین های کهن آغاز سال نو قرار دادند، به شگون روزی که خورشید از چنگ شب های اهریمنی نجات می یابد و روزی مقدس برای مهرپرستان است. در سده ی چهارم میلادی بر اثر اشتباهی که در محاسبه ی کیبسه ها رخ داد، روز ۲۵ دسامبر را (به جای روز ۲۱ دسامبر) روز تولد میترا دانسته و تولد عیسی مسیح (ع) را نیز در این آغاز سال قرار دادند که سنایی در این تقارن اشاره یی دارد.

به صاحب دولتی پیوند، اگر نامی همی جویی که از پیوند با عیسی چنان معروف شد یلدا نوئل اروپایی، همان شب یلداست و نوئل واقعی یعنی انقلاب شتوی در ۳۰ آذر ماه (برابر با بیست و یکم دسامبر) است. یلدا لغتی ست سریانی، به معنای میلاد عربی و چون شب یلدا را با میلاد مسیح مطابقت می کرده اند، از این رو به این نام نامیده اند و باید توجه داشت که جشن میلاد مسیح که در بیست و پنجم دسامبر تثبیت شده، طبق تحقیق، در اصل جشن ظهور میترا بوده که مسیحیان در قرن چهارم میلادی آن را روز تولد عیسی مسیح قرار داده اند.

یلدا اول زمستان و شب آخر پاییز است که درازترین شب های سال است، و در آن شب، یا نزدیک به آن، آفتاب به برج جدی تحویل

شب یلدا ریشه ی کریمس

✧ توران شهریاری - شاعره ی زرتشتی

شب یلدا تولد مهر است روز گردد بلند و شب کوتاه نیست پیدا که از کی آمده است؟ هست در آخرین شب پاییز در نهادش حماسه پروردست شب مهرآفرین ایرانیست زندگانی به دیگری دادن صدقی هست پُر ز گوهر راز پُر از اسطوره‌های بود رازش مهر و شادی و جذب و حال است می‌شود سرخ، رنگ مکتب مهر رنگ قرمز بیاورند پدید بوده و هست و باز خواهد بود خود نمادی ز خوبی و بدی‌اند این دو همزاده، تا ابد هستند هر دو گوهر پدید شد با هم سخت در جنگ و در گریز بُدند گاه این چیره می‌شود گه آن گاه آن، گاه این شود پیروز که در آیین مهر هست عزیز این شب آمده بهر مهمانی‌ست با دگر خشکبار آیینی خوردن هندوانه هست و انار میوه‌ی لعل فام ایامند شب یلدا از این دو میوه خورد شب یلدای پُر ز کوکب را مهر، پیمان مردمی و وفاست مهر، پاکی و نیکی و شادی‌ست همه را بیش‌تر ز خود دیدن عهد و پیمان خویش نشکستن که نشان از وفای جاوید است هست آذین دست هر همسر بر چنین پایه‌ی خجسته نهاد گرچه میرائی از نیاکان است دین گسترده در اروپا بود سالیان دراز برجا ماند دین رسمی روم و یونان گشت همه جا دوستی و مهر افشاند رفت در تار و پود و دین نوین بس اثرها به دین عیسا کرد زایشش زان پور مریم شد در جهان نور و شادی افشاندست خود نمادی‌ست زان کهن فرهنگ با پگاه و پسین هماهنگ است از نشان‌های کیش مهری بود

مهر رخشا، نکوترین چهر است چون‌که از روز اول دی ماه گرچه یلدا شب دی آمده است این همایون شب خیال انگیز بیخ و بن در حماسه گستردست لفظ یلدا اگرچه سریانی‌ست به دری معنی‌اش بُود زادن این شب تیره و بلند و دراز ره به اسطوره برده آغازش هم‌چو تاریخ ما، کهنسال است در طلوع و غروب، رنگ سپهر صبح و شب، چون سیه خورد به سپید آن سپید و سیاه رازآلود این دو در روزگار سرمدی‌اند تا جهان‌هست، نیک و بد هستند زان‌که از روز خلقت عالم که از آغاز در ستیز بُدند در پی این نبرد بی‌پایان گاه شب آید و زمانی روز سرخ رنگی‌ست زین نبرد و ستیز خوان یلدا که خوان ایرانی‌ست میوه بر آن نهند و شیرینی آن‌چه سنت بود در این شب تار زان‌که این هر دو سرخ و گل‌فامند هر که او راه مهر را سپرد تا گرامی بدارد این شب را مهر، پیوند مردمان و خداست مهر، نیرو و نور و آزادی‌ست دوستی هست و مهرورزیدن به خدا و به خلق دل‌بستن مظهرش حلقه‌یی چو خورشید است اینک این حلقه‌ی خجسته اثر کیش مهر است بر چنین بنیاد گرچه آئین مهر از ایران است گرچه آغاز و اصلش از ما بود قرن‌ها مهر در اروپا ماند دین عیسا پس از سه قرن، گذشت پیش از آن کیش مهر فرمان راند آن‌همه رسم و سنت و آئین مهر تأثیر در مسیحا کرد پرتو کیش مهر چون کم شد که به‌نام کریمس ماندست پاپ با آن ردای قرمز رنگ رخت بابائوتل همان رنگ است حلقه‌ی مهر و شمع و کاج و سرود

سرزمین کهن‌سال ایران و در بین همهی قشرها و خانواده‌ها برگزار می‌شود (البته چله‌ی بزرگ از شب اول دی‌ماه تا آخرین روز دهم بهمن ماه بوده و از روز یازدهم بهمن ماه چله‌ی کوچک تا آخرین روز سی‌ام بهمن می‌باشد) و گذران چله‌ی کوچک نصف چله‌ی بزرگ بوده و از اول اسفند تا آخرین روز سرما پیرزن، سرما گل زرد، سرما گل سرخ خوانده می‌شده که بعد از آن هوا کاملاً رو به گرمی می‌رود.

در شب یلدا که آغاز زمستان است، خانواده‌ها از کرسی استفاده می‌کردند و این مربوط به زمان‌های قدیم است که هنوز وسایل گرمازا وجود نداشت و امروزه این وسایل گرمازا به‌وجود آمده، به‌حدی‌ست که بر حسب معمول ساختمان‌ها گرم است و کرسی از بین خانواده‌ها رخت بر بسته.

دی‌ماه که آن را «خورماه» می‌گویند، نخستین روز آن خرم‌روز است. در این روز عادات ایرانیان چنین بود که پادشاه از تخت پادشاهی به زیر می‌آمد و جامه‌ی سپید می‌پوشید. البته در زمانی‌که کرسی وجود داشت، معمولاً از شب یلدا که نخستین شب زمستان شروع می‌شد و در پایان چله‌ی بزرگ و در برخی از خانواده‌ها تا پایان چله‌ی کوچک ادامه داشت و اعضای خانواده از کوچک و بزرگ دور کرسی که روی آن مملو از آجیل‌ها، شیرینی و میوه بود و دور آن می‌نشستند و به این طریق شب یلدا را جشن می‌گرفتند و این خوراک در همه‌ی جشن‌ها و جامعه‌ها در جامعه‌ی ایرانی یا متمدن خوردن و آشامیدن بخشی از مشغولیت‌ها و سرگرمی خانواده‌ها را تشکیل می‌داد، البته تهیه‌ی شام بستگی به وضع اقتصادی و روند تغذیه خانواده‌ها دارد.

خوردنی‌های ویژه‌ی شب یلدا عبارت بود از: میوه‌های تابستانی چون خربزه، هندوانه، انگور، انار، سیب، خیار و به مانند آن‌که باید خورده شود و آجیل عبارت بود از گندم و نخود برشته، تخمه‌ی هندوانه و کدو، بادام، پسته، فندق، کشمش، انجیر، توت خشک، برگه‌ی هلو و زردآلو و... که در بسیاری از شب‌نشینی‌ها این رسم فراموش نمی‌شد، ولی در شب یلدا به‌طور حتم باید وجود داشته باشد.

یکی از رسومی که در قرون اخیر در شب یلدا معمول شده است، گرفتن فال از دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی‌ست که هر کس بنا به نیتی که برای آینده‌ی خود دارد به فال حافظ متوسل می‌شود که این بهترین رسم برای شب یلدا به‌حساب می‌آید.